



زیباشناسی رنگ و نور در آثار ایران درودی با رویکرد ابن هیثم^۱

رودینا سیستانی^۱، مینو خانی^۲، علی مرادخانی^۳

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹ □ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ □ صفحه ۱۲۴-۱۱۷

Doi: 10.22034/RPH.2023.2015252.1050

چکیده

نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم، کیفیات و ساختار بصری لازم در اثر هنری را مورد توجه قرار می‌دهد، ضروری است جنبه‌های بالقوه نظریاتش در حوزه زیبایی‌شناسی و ساختار بصری آثارش، مورد پژوهش قرار گرفته شود. ایران درودی با عناصر زیباشناسی به آثارش هویت ایرانی می‌دهد، او نور را هدف اصلی قرارداد تا به پندارهای فرهنگ ایران نزدیک شود و همچنین از نور برای القای بیان احساس خویش استفاده می‌کند تا مخاطب آن به مفهوم حس هنرمند پی ببرد و به این نتیجه رسیده است که هیچ رنگی خارج از تابش نور، رنگ نیست و رنگ‌ها فقط در مجاورت و تأثیرگذاری بر یکدیگر است که کیفیت و رنگ خود را بروز می‌دهند. با توجه به ماهیت ساختاری نقاشی که زیبایی‌شناسی آن بر پایه اصولی است که کاملاً منطبق با ۲۲ مواردی که در آرای ابن هیثم است، بررسی این موارد نظری و چگونگی کاربری آن در هنر نقاشی، هدف این مقاله است و در پی پاسخ به این پرسش که چگونه نظریه زیبایی‌شناسی نور و رنگ از منظر ابن هیثم را می‌توان با اصول مدرن زیبایی‌شناسی در آثار ایران درودی درک کرد، ابتدا ماهیت و ویژگی‌های آثار درودی را توصیف و تحلیل کرده و سپس آن آثار با آرای ابن هیثم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این مقاله که روش نظری آن، بر اساس نظریه پرداز فلسفه اسلامی ابن هیثم است. در این رویکرد زیباشناسی که به فرم اثر می‌پردازد ابن هیثم از زیباشناسی چنین تعریفی می‌کند: «زیبایی (حسن) را نه به عاملی بسیط، بلکه به تعامل پیچیده‌ای میان بیست و دو عامل تعریف کرد» و ابن هیثم تأکید زیادی به مفهوم دو مورد از ۲۲ عواملی که نور و رنگ با یکدیگر نیروی انگیزش دارند، یعنی می‌توانند در نفس تأثیری ایجاد کنند که صورتی زیبا جلوه کند می‌پردازد. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر منظر روش انجام توصیفی تحلیلی است و اطلاعات نیز بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. نتایج تحقیق بیانگر کارایی رویکرد ابن هیثم در حوزه زیبایی‌شناسی نقاشی معاصر است.

کلیدواژه‌ها: ایران درودی، رنگ و نور، زیباشناسی، نقاشی معاصر، ابن هیثم.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رودینا سیستانی با عنوان «مطالعه زیباشناسانه آثار ایران درودی» به راهنمایی دکتر مینو خانی و مشاوره دکتر علی مرادخانی است که در تابستان ۱۴۰۲ در دانشگاه آزاد اسلامی دفاع شد.
۲. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار، عضو هیئت علمی پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. دانشیار، عضو هیئت علمی فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



استناد: سیستانی، رودینا؛ خانی، مینو؛ و مرادخانی، علی. (۱۴۰۲). زیباشناسی رنگ و نور در آثار ایران درودی با رویکرد ابن هیثم. رهپویه حکمت هنر. ۲ (۲): ۱۱۷-۱۲۶.

https://rph.soore.ac.ir/article_709397.html

مقدمه

زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است و از تحلیل مفاهیم و راه‌حل مسائلی بحث می‌کند که از موضوعات ادراک زیبایی‌شناسی برمی‌خیزد. در این میان، اغلب اندیشمندان پرداختن به امر زیبایی و تعریف این معنا به زیبایی معنوی و معقول بیش از ابعاد بصری آن اشاره کرده‌اند. از نظریه پردازان و حکما و دانشمندان زیباشناسی تنها ابن هیثم است که به واسطه دانش فیزیک و اکتشافات نوری و به ویژه در دنیای هنر به ابداعاتی دست یافت. وی نظریه دریافت حسی زیبایی اشیای ادراک (الحسن) را طرح می‌کند این رساله در ابتدا یک گزاره علمی مهم در باب فرایند فیزیکی بینایی در نتیجه کنش‌های نور و رنگ را طرح می‌کند: چشم، نور را دریافت کرده و رنگ در سطح شیء ادراک شده (مبصر) شکل می‌گیرد در نتیجه شکل و صورتی که از نور و رنگ ناشی از سطح این شیء بسط یافته به واسطه جسم شفاف میانجی بین جسم و شیء ایجاد شده است. دیدن اشیاء به واسطه خطوط فرضی مستقیمی که بین شیء و نقطه مرکزی چشم مداوم دارند، صورت می‌گیرد. (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۲). ابن هیثم در باب فرایند ابصار خود را در قالب‌های علمی اکید محدود نکرده؛ بلکه با مسائل و نظرگاه‌های زیبایی‌شناسی مهم و عمیقی سروکار دارد و اهمیت ویژه‌ای برای تحلیل موارد مهمی همچون مفاهیم زشتی و زیبایی و تجربه ناظر از هر یک، قائل است. ابن هیثم زیبایی و زشتی را به عنوان حقایقی عینی و قابل ملاحظه در نظر می‌گیرد که همه اجسام در درجات مختلف آنها را آشکار می‌سازند. از دیگر حقایق عینی که وی به صورت کلی نام برده می‌توان به «المعانی المبصره» یا «معانی ادراکی اشاره کرد و از معنا در ترجمه سابرا به ویژگی و در ترجمه ویلجز از رساله ابن هیثم به مفهوم برگردانده شده است. فهرست این ویژگی‌ها یا مفاهیم ادراکی، به ۲۲ مورد بالغ می‌گردد که به واسطه درک چشم، این زیبایی‌ها حاصل می‌شوند. البته او ابتدا از دو عامل نور و رنگ نام می‌برد که این دو عامل حاصل احساس بینایی هستند. شناخت جایگاه عناصر زیباشناسانه در نقاشی امری مهم برای درک آثار نقاشی است. درودی در کارهای خود از طبقات چندلایه نور بهره می‌گیرد و با پررنگ کردن نقش نور، در نقاشی‌های آبنسره فیگوراتیوش به تدریج عنصر فیگوراتیو را حذف می‌کند تا پراکنش نور، عنصر اصلی و حاکم شود و هم‌زمان رویکردی نوگرایانه در نقاشی‌هایش وجود دارد. مناظر غالب در آثار درودی بیشتر حاشیه کویر و گل‌هایی است خاص با دیوارهایی شیشه‌ای که به آثار او فضایی خاص و عمیق بخشیده است. ایران درودی نقاشی است که قاعده آفرینش معنای روح را با آثارش برای مخاطب معنا می‌کند (مظفری، ۱۳۸۷: ۴۱). او نقاشی را با حس بیان می‌کند؛ یعنی هر هنرمندی در قلمرو هنرش با عناصر هنری که در آثارش استفاده کرده بیان می‌کند. (مظفری، ۱۴۰۲: ۶۹) اساس نقاشی‌های ایران درودی بر یافتن هویت فرهنگی و در پی

باز یافتن ریشه‌های فرهنگی جامعه است و برای این کار چهار عنصر اصلی یعنی «نور»، «حرکت»، «زمان» و «رنگ» را نوبت به نوبت در نقاشی‌هایش به کار گرفته و نور را هدف اصلی‌اش قرار داد تا به پنداره‌های فرهنگ ایران نزدیک شود و آثاری که از این هنرمند به جا مانده، او را به بانوی نور و رنگ در جهان ملقب کرده است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از منظر روش انجام، توصیفی - تحلیلی است و روش نظری تحقیق، بر اساس رویکرد زیباشناسی نظریه پرداز فلسفه اسلامی ابن هیثم است. اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای و از منابع دیجیتال (شامل مقاله‌های الکترونیکی و کتابخانه‌های دیجیتالی)، فیلم‌های مستند و مصاحبه‌های مربوطه به دست آمده است. روش نظری تحقیق، بر اساس نظریه پرداز فلسفه اسلامی ابن هیثم است. در این رویکرد زیباشناسی که به فرم اثر می‌پردازد ابن هیثم از زیباشناسی چنین تعریفی می‌کند: «ابن هیثم زیبایی (حسن) را نه به عاملی بسط، بلکه به تعامل پیچیده‌ای میان بیست و دو عامل تعریف کرد. (نجیب اوغلو، ۱۳۸۰، ۲۵۸) این نکته‌ای بسیار ظریف است که ابن هیثم به مفهوم فراگیر و تصویری حسن می‌پردازد. تنها دوتا از این عوامل، نور و رنگ (که خود خاصیتی برگرفته از نور است) نیروی انگیزش دارند. یعنی می‌توانند در نفس تأثیری ایجاد کنند که صورتی زیبا جلوه کنند. روند انجام تحقیق نیز بدین شکل است که ابتدا ماهیت و ویژگی آثار درودی مورد تعریف و تبیین قرار گرفته و پس از ذکر آرای ابن هیثم که در المناظر مکتوب شده است، به بررسی و تحلیل میان ویژگی ۲۲ عوامل آرای ابن هیثم در آثار درودی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

بنا بر مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده، موضوع «مطالعه زیباشناسانه آثار ایران درودی» تا کنون در هیچ مقاله‌ای منتشر نشده و در پژوهش تدوین شده‌ای در داخل کشور مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است. نتیجه عمده‌ترین مقالات و پایان‌نامه‌های تخصصی مرتبط با این موضوع به شرح ذیل است:

حسن بلخاری قهپی در سال (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی در نورشناسی با تأکید بر المناظر، شاهکار ابن هیثم» که در نشریه حکمت‌نامه مفاخر به چاپ رسیده است، به بحث و تحلیل آرای ابن هیثم در باب نور پرداخته است و همچنین حسن بلخاری قهپی در سال (۱۳۸۷) در کتاب معنا و مفهوم زیبایی در المناظر و تفتیح المناظر که توسط فرهنگستان هنر چاپ شده است به شرح آرای ابن هیثم در مورد زیبایی پرداخته است همچنین با تأملی بر روش‌شناسی دقیق ابن هیثم به شرح و تفصیل زیبایی‌شناسی از منظر او توجه کرده است.

است. نقاشان در طول تاریخ مواد رنگی مختلفی را مورد استفاده قرار داده‌اند. نقاشی‌ها اغلب بر زمینه‌هایی چون دیوار غارها و صخره‌های سنگی، ظروف سفالین، پوست حیوانات، سطح اشیاء گوناگون، طومارهای کاغذی، نسخه‌های خطی، سطوح دیوار، شیشه‌های رنگین، پانل‌های چوبی، انواع کاغذها و بوم‌های پارچه‌ای نقش بسته‌اند. در اغلب آثار نقاشی، موضوع خاصی وجود دارد و یا جنبه روایی، توصیفی، مستند نگاری، تبلیغی و... در کار دیده می‌شود. در دوران هنر مدرن، نقاشان به تدریج خود را از قید موضوع رها نمودند و به جوهره خالص نقاشی یعنی عناصر بصری توجه کردند. آنها با ایجاد ترکیب‌های آزاد و هندسی به بیان‌های انتزاعی و تجریدی در نقاشی رسیدند. استفاده از عناصر بصری گوناگون و بیان احساسات و تفکرات هر یک از نقاشان، شیوه‌های بیانی متفاوتی را به وجود آورده است. به این ترتیب برای شناخت آثار نقاشی باید به محتوای آثار صرف نظر از موضوع توجه کرد.

بنابراین نقاشی بیان ایده‌ها، احساسات، اعتقادات و تفکرات انسانی به کمک عناصر بصری است و کیفیت این بیان به نحوه ترکیب عناصر بر سطح زمینه و محتوایی که ارائه می‌کند بستگی دارد. تأثیرات متفاوتی که این عوامل بر شکل‌گیری آثار مختلف دارند، دلیل وجود سبک‌های متنوع نقاشی است. (شاپوریان، ۱۴۰۲: ۴۵)

نگاه ایران درودی به نقاشی

ایران درودی یکی از تأثیرگذارترین هنرمندان نقاش معاصر ایرانی است، او همیشه هویت فردی‌اش را با نمادها و مشخصه‌های فرهنگی کشورش در آثارش به نمایش می‌گذاشت و با پایبندی به اصول شیوه سبک خود به انتقال داده‌ها و نهاده‌های روانی و روان‌تنی‌اش پرداخته است. موضوعات آثار درودی شامل فرهنگش و اجتماع کشورش، با استفاده از نمادهایی همچون نور، ویرانه‌ها، ابرها، یخ‌ها و عناصری از این دست و سوژه‌هایی مانند از دست دادن، سوگ، فراق از وطن، تبعید، مرگ و امید و تولدی دیگر در آثارش دیده می‌شود. نقاشی‌های ایران درودی ادغامی از فرم و احساسات درونی هنرمند است، به طوری که خط و رنگ در ماهیت و تمامیت خود در تابلو، قادر به خلق و انتقال ایده به ذهن مخاطب هستند.

او از طبقه‌بندی شدن در سبک‌ها و چارچوب‌ها گریزان است. تصویرپردازی غنی او از فضایی غیر واقعی و تأثیرهای ظریف و گذرای موسیقی سرشار است. او بدین‌سان رنگ‌ها را به آواز وامی‌دارد. صوت تصاویر او از تک‌مضرب نرم تا غرش خوف‌انگیز و سکوت غمبار کویر را در بر می‌گیرد، درحالی‌که جهان غیر واقعی و تخیلی او از رؤیا به واقعیت خشن و تولدی دیگری رو می‌کند. ایران درودی رها از هر قیدی به سوی نقطه‌ای که هدف قرار داده یا آفریده است راه می‌پیماید. جهانی اعجاب‌انگیز و جادویی که در آن شادی و غم، خون و گل به یکدیگر جوش می‌خورند و واقعیت

جواد مجابی، شاعر و نویسنده ایرانی در مقاله خود به نام (رؤیاهای رنگین نقاش نور و رهایی) که در تیرماه (۱۳۸۰) در تهران در آزما منتشر شده نوشته است نقاشی‌های ایران درودی به نور درخشان ایران وفادار مانده است و نور در نقاشی‌های اولیه ایران درودی غالباً عنصری مسلط نیست، او به تقسیم دوره‌های کاری ایران درودی پرداخته و ویژگی هر دوره را برشمرده است.

همایون حاج محمدحسینی و محمد اعظم زاده، فاطمه پورذبیح در سال (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان (تحلیل و خوانش آثار هنری بر اساس نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم) که تحلیل تابلوی شب پرستاره بود که در شماره ۲۶ نشریه هنرهای تجسمی به چاپ رسیده است.

جنبه نوآورانه این تحقیق این است که می‌تواند اطلاعات مفیدی در اختیار علاقه‌مندان و فعالان در حوزه نقاشی قرار دهد و حتی شناساندن و تحلیل عناصر زیباشناسانه در آثار هنرمندان معاصر به‌عنوان ابزاری برای علاقه‌مندان و هنرمندانی که قصد توصیف آثاری با آرای زیباشناسانه ابن هیثم را دارند را فراهم می‌کند.

کلیاتی در مورد نقاشی

خلق و ایجاد هر اثر هنری، نشان‌دهنده بازتاب احساسات و ادراکات هنرمند از محیط پیرامون او و در زمینه‌های مورد علاقه اوست. در تعریفی ساده، نقاشی سطحی است که با رنگ پوشانده شده است. رنگدانه‌ها معمولاً در خاک، سنگ و شن و یا در موجودات زنده وجود دارند و امروزه انواع مصنوعی آن‌ها ساخته می‌شود. از نقاشی در طول تاریخ، برای تزئین محل زندگی، ابراز طرز تلقی و تفکرات انسان و راهی برای ارتباط و ثبت فرهنگ‌ها استفاده شده است. نقاشی همواره با بیان بصری و خلاقیت زیبایی، پیوندی عمیق دارد.

نقاشی پیش از کشف خط، وسیله‌ای برای بیان تصورات انسان بود. نقاشی‌های اولیه، نقشی جادویی داشتند و از مواجهه انسان با نیروهای طبیعت متأثر بودند. به تدریج نقش نقاشی اختصاصی‌تر شد. اما باید دانست که نقاشان در جوامع اولیه، با مفهومی که ما امروزه از «نقاش» در ذهن داریم تفاوت عمده داشته‌اند. معنی نقاش در زمان گذشته مفهوم صنعتگر بود به همین دلیل نقاشی برآیند بینش جمعی بود و در بستر سنت‌ها تکامل می‌یافت. اما هنر نقاشی در دنیای نوین، به فرایندی ویژه‌ای اشاره دارد که از روحیات فردی نشئت می‌گیرد. تعریف خلاقیت نیز در نقاشی امروز پررنگ‌تر شده است و نقاشی وسیله‌ای برای بازنمایی، احساس و نشان دادن اشکال مختلف به وسیله طرح و رنگ است. (کامرانی، ۱۴۰۲: ۳)

نقاشی پایه همه هنرهای تصویری است. در نقاشی مجموعه‌ای از عناصر بصری مانند خط، شکل، رنگ، سایه‌روشن، بافت و... به کار گرفته می‌شوند که در این میان رنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

فیزیکدان، ریاضیدان و اخترشناس معروف عرب بود که به او لقب پدر نورشناسی مدرن را دادند. ابن هیثم در سال ۳۵۴ هجری قمری در بصره متولد و در سال ۴۳۰ هجری قمری درگذشت. او تحقیقات گسترده‌ای در زمینه علمی انجام داد به همین دلیل القاب مختلفی به او دادند. وی بیشتر عمر خود را در قاهره سپری کرد و در نهایت در همین شهر و در سن ۷۶ سالگی درگذشت. او تأثیر بسزایی بر علم و هنر گذاشت. عبدالحمید صبره نظریه او را در مورد زیبایی‌شناسی نور کامل‌ترین تعریف زیبایی دانسته است از دیگر ویژگی‌های ابن هیثم این است که موفق شد ۷۰۰ سال قبل از نیوتون دربارهٔ ویژگی‌های نور تحقیق و پژوهش کند و آن را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این، وی موفق شد ۵ قرن قبل‌تر از دانشمندان رنسانس، روش‌های علمی بر اساس آزمایش را پایه‌گذاری کند. ابن هیثم پدر علم فیزیک نور و آغازکننده تحولاتی است که بعدها به ساخت دوربین عکاسی، دوربین سینما و پروژکتور پخش فیلم منجر شد. ابن هیثم تلاش زیادی در شناخت فیزیک نور انجام داد. او رساله‌ای درباره نور نوشت و ذره‌بین را ساخت. به نسبت زاویه تابش پی برد. اصول تاریکخانه را شرح داد و در مورد قسمت‌های مختلف چشم بحث کرد. رساله «نور» ابن هیثم نفوذ زیادی در اروپا گذاشت. شهرت ابن هیثم در نجوم بیشتر به سبب تألیف رساله‌ای است به نام مقاله فی هیئته العالم بود. ظاهراً این رساله از آثار جوانی او است، زیرا در آن از «پرتوی که از چشم خارج می‌شود» سخن گفته است و ماه را جسمی صیقلی توصیف کرده که نور خورشید را بازمی‌تاباند و چشم به هنگام رؤیت، فقط جسم و شکل، رنگ، بزرگی، حرکت و سکون را درک نمی‌کند، بلکه می‌تواند بیست و دو جزئیه را درک کند که همان موارد بیست و دوگانه زیبایی‌شناسی است که ابن هیثم در کتاب المناظر به آن پرداخته است (بلخاری، ۱۳۹۸: ۲۲).

کتاب المناظر

المناظر یکی از مهم‌ترین آثار ابن هیثم دانشمند، فیزیک‌دان و نورشناس مسلمان قرن دهم میلادی (سده چهارم قمری) است که در ۷ مقاله در مورد نورشناسی نوشته شده است. این کتاب در سده هشتم قمری (چهاردهم میلادی) توسط کمال‌الدین فارسی شرح داده می‌شود و آن را انتشار می‌دهد. المناظر کتابی تجربی درباره ویژگی‌های خاص نور و روابط نور و چشم است. این کتاب دربارهٔ روش تحقیقی که خود ابن هیثم استفاده کرده در این کتاب نام می‌برد، که روش تجربی، ریاضی، استقرایی و اعتبار است. امروزه این واژه اخیر با نام آزمایش به کار می‌رود. در کتاب المناظر توضیح ابن هیثم از فرایند بینایی به عنوان یک تجربه شناختی عمده و مقدم، به گونه‌ای شگفت‌انگیز لحنی پدیدارشناسانه و سایکو فیزیکی دارد. دیدگاه ابن هیثم بین ادراک بینایی و احساس بینایی تمایزی وجود دارد. وی معتقد است که احساس بینایی، ادراک صورت اشیاست؛ مانند

و رؤیا در هم می‌آمیزند تا مفاهیمی برخاسته از فرهنگ خود را به مخاطب بیان کند. درودی در کارهای خود از طبقات چندلایه نور بهره می‌گیرد و با پررنگ کردن نقش نور، در نقاشی‌های آستره فیگوراتیو به تدریج عنصر فیگوراتیو را حذف می‌کند تا پراکنش نور، عنصر اصلی حاکم شود و هم‌زمان رویکردی نوگرایانه در نقاشی‌هایش وجود دارد نقاشی‌های ایران درودی، به نور درخشان ایران وفادار مانده است. آثار درودی به چهار دوره تقسیم می‌شود در دوره اول هنرمند در نقاشی‌هایش از مناظر شهری، گل‌ها و چشم‌اندازها استفاده می‌کند و همچنین او با دقت در کار هنرمندان بزرگی از جمله کاراواجیو و ترنر به خلق فضا و عمق بخشیدن به تابلوها توفیق می‌یابد و نقاش جدالی بین اجزای تشکیل‌دهنده تابلو پدید می‌آورد که به ایجاد درامی دوصدایی، خلق یک وحدت دوباره شده توفیق می‌یابد و در عین حال در این دوره هنرمند نوع رفتارش با فرم‌ها و فضا به گونه‌ای است که تابلو وحدت ساختاری خود را از دست نمی‌دهد مانند اثر (سنگ، برگ، خاک). در دوره دوم هنرمند فضایی را که به راحتی و تنوع می‌آفریند با عناصری خاص می‌آراید و سامان می‌دهد که بعداً این نقش‌مایه‌ها (موتیف‌ها) انگارهای شخصی آثار او می‌شوند در دوره دوم گرایش طبیعی او به آثار هنرمندانی چون دالی و ماگريت تحولی در دیدگاه او نسبت به واقعیت پدید می‌آورد که حال و هوای سوررئالیستی بر آثار او حاکم می‌گردد این ویژگی با دخل و تصرف غریزی هنرمند در واقعیت عادی و فراتر رفتن از ناتورالیسم آشنا صورت می‌بندد، در این دوره هنرمند با واقعیت پیرامون فاصله گرفته و به واقعیت برتر می‌رسد، برای مثال اثر (صدقت لحظه‌ها) برای این دوره است. در دوره سوم نقاش به سبک اکسپرسیونیسم نزدیک می‌شود و بیشتر نقاشی‌های هنرمند به صورت مبالغه‌آمیزی گرفته و در نقاشی‌هایش تصویر آسمان و زمین یخ زده و منجمد نشان داده شده و نور را به فراسو می‌رساند مثل اثر (عروس جاودانه). در دوره چهارم نقاش به بنیادهای اصلی فرهنگ ایران که ستایش نور و عشق است دست می‌یابد در این دوره منظره‌ها به تدریج خلاصه‌تر و کوچک‌تر و بارش نور محوتر می‌شود تاجایی که غرق در نور می‌گردد و به تدریج به مرحله نهایی که هنرمند انتقال حس و تخیل به یاری بازی‌های رنگ و نور و فارغ از هر نوع نقش‌مایه است می‌رسد و هنرمند با رویکردی ضروری به ساده‌سازی حجم عناصر فیگوراتیو را کاهش می‌دهد و عناصر رنگ و نور با بازتاب حسی و اندیشگی هنرمند ترسیم می‌شود تا هر یک معنا و نمادی را به مخاطب القا کند تا عالم انتزاعی را با نقاشی به مخاطب نشان دهد مانند اثر (لبریز جان) که در این دوره خلق شده است.

حسن ابن هیثم

یکی از برجسته‌ترین دانشمندان جهان اسلام به شمار می‌رود. وی یکی

نور و اشکال در زمینه‌های کدر زیبا به نظر می‌آیند. (۱۷- می سایه^۱ (زیبایی را اظهار می‌کند). ۱۸- تاریکی (ستارگان در تاریکی شب زیبا جلوه می‌کنند و در شب ظلمانی زیباترند تا در شب مهتابی) ۱۹- تشابه (مثلاً دو چشم انسان چون مشابه‌اند زیبا هستند) ۲۰- اختلاف (اگر همه اجزای بدن انسان یا حیوان با هم برابر و مشابه بودند زیبا نبودند). ۲۱- تناسب ۲۲- ائتلاف (می‌بایست بین اجزاء و اعضای یک شیء مرکب تناسب و تألیف وجود داشته باشد؛ وگرنه زیبایی حاصل نمی‌شود). (بلخاری، ۱۳۸۷: ۵۸). ابن هیثم بر این باور است که طبق دو اصل زیبایی در اجسام با هم تفاوت دارند اول به دلیل ویژگی‌ها یا مشخصات بصری کلی همان‌هایی که وی آنها را در فهرستی معرفی می‌کند و این ویژگی‌ها سازه کلی اجسام یا زمینه آنها را ایجاد می‌کنند که ایجادکننده زیبایی هستند برای مثال نور در فهرست این ۲۲ عامل (خصیصه)، اولین موردی است که زیبایی را ایجاد می‌کند و به همین دلیل است که خورشید ماه و ستارگان را از امور زیبا می‌دانند، هر چند باید دانست که در، خورشید ماه و ستارگان چیزی که آنها را بدل به امر زیبا کند یا شکلی زیبا بدان‌ها دهد وجود ندارد هر چه هست به‌واسطه درخشندگی و تالو آنهاست.

بررسی و تحلیل آثار درودی بر اساس آرای ابن هیثم

دلیل انتخاب آثاری معاصر برای تحلیل و خوانش با الگوی برآمده از نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم، نزدیکی و همخوانی نظریه او با دانش سواد بصری ایران درودی با نقاشی است، همان‌طور که نظریه ادراک زیبایی ابن هیثم نیز مبتنی بر ادراک عناصر و کیفیات بصری در اشیاء است که ساختار تجسمی آن‌ها را شکل می‌بخشد. پژوهش‌های علمی ابن هیثم بسیار جلوتر از عصر وی است. او به بررسی علمی نور و رنگ چگونگی ادراک بصری می‌پردازد و بر دیدن و مشاهده تأکید می‌ورزد، ایران درودی نیز به بررسی نور و رنگ در آثارش می‌پردازد، همان‌گونه که مد نظر ابن هیثم در مورد زیباشناسی این دو مورد زیبایی را به وجود می‌آورد.

نور

بر اساس نظریه ابن هیثم مثال نور در فهرست این ۲۲ عامل (خصیصه)، اولین موردی است که زیبایی را ایجاد می‌کند و به‌تنهایی احساس زیبایی را در انسان برمی‌انگیزد در نقاشی نور مهم‌ترین عامل در ثبت تصویر است. بدون نور هیچ تصویری نیز به وجود نخواهد آمد. نور هدف اصلی ایران درودی بود تا به پندارهای فرهنگ ایران نزدیک شود و همچنین از نور برای القای بیان احساس خویش استفاده می‌کند تا مخاطب آن به مفهوم حس هنرمند پی ببرد. خورشید که منبع اصلی نور به شمار می‌رود، به کلیه اشیاء می‌تابد و باعث می‌گردد که ما بتوانیم رنگ، شکل، بافت و حرکت آن‌ها را ببینیم و در حقیقت اصل و منشأ آگاهی و شناخت ما نسبت به جهان

اشکالی که از رنگ و نور اشیاء به چشم می‌رسد اما علاوه بر احساس بینایی امری، فراتر هم وجود دارد که انسان آن را ادراک می‌کند. این ادراک با عقل و خیال به وجود می‌آید آن درک معانی جزئی‌های است که در جسم وجود دارد، پس از احساس بینایی، ادراک می‌شوند. وی نظریه دریافت حسی زیبایی اشیاء ادراک (الحسن) را طرح می‌کند این کتاب در ابتدا یک گزاره علمی مهم در باب فرایند فیزیکی بینایی در نتیجه کنش‌های نور و رنگ را طرح می‌کند: چشم، نور را دریافت کرده و رنگ در سطح شیء ادراک شده (مبصر) شکل می‌گیرد در نتیجه شکل و صورتی که از نور و رنگ ناشی از سطح این شیء بسط یافته به واسطه جسم شفاف میانجی بین جسم و شیء ایجاد شده است. دیدن اشیاء به واسطه خطوط فرضی مستقیمی که بین شیء و نقطه مرکزی چشم تداوم دارند، صورت می‌گیرد. (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۲) ابن هیثم رنگ و نور را زیبایی‌آفرین قلمداد می‌کند و اعتقاد دارد این دو در کنار تناسب مهم‌ترین عوامل در ایجاد زیبایی هستند. (میراحمدی، ۱۴۰۰: ۵۲) است. ابن هیثم زیبایی و زشتی را به عنوان حقایق عینی و قابل ملاحظه در نظر گیرد که همه اجسام در درجات مختلف آنها را آشکار می‌سازند. از دیگر حقایق عینی که وی به صورت کلی نامبرده می‌توان به «المعانی المبصره» یا «معانی ادراکی» اشاره کرد. واژه معنا در ترجمه سابرا به ویژگی و در ترجمه ویلجز از رساله ابن هیثم به مفهوم برگردانده شده است. فهرست این ویژگی‌ها یا مفاهیم ادراکی، به ۲۲ عامل بالغ می‌گردد.

فهرست ۲۲ عامل

فهرست این ویژگی‌ها یا مفاهیم ادراکی، به ۲۲ مورد بالغ می‌گردد که شامل:

- ۱- نور (به‌تنهایی احساس زیبایی را در انسان برمی‌انگیزد) ۲- رنگ (واللون ایضاً یفعل الحسن) ۳- بعد یا فاصله (که نه بالذات بلکه بالعرض ایجادکننده احساس زیبایی در نفس است). ۴- وضع یا مکان (که عبارت از قرار گرفتن مرتب اشیاء در کنار یکدیگر است که احساس زیبایی را در انسان برمی‌انگیزد). ۵- تجسم (که به‌احتمال قریب به یقین منظور تعیین جسمی، اندام اجسام و اشخاص است).
- ۶- شکل ۷- عظم یا بزرگی (ولذالک صار القمر احسن من کل واحد من الكواكب وصارت الكواكب الکبار احسن من الكواكب اصغار)
- ۸- تفرق (ستارگان چراغ‌ها و شمع‌ها چون در تفرق قرار می‌گیرند زیباترند تا هنگامی که به صورت متصل با هم قرار می‌گیرند). ۹- اتصال (این عامل در تضاد با عامل قبلی است). ۱۰- تعدد (و لذلک صارت المواضع اکثره الكواكب السماء احسن من المواضع القلیله الكواكب). ۱۱- حرکت (مثال ابن هیثم برای حرکات زیبا رقص است). ۱۲- سکون (وقار و سمت) ۱۳- خشونت یا زبری (برخی لباس‌ها و فرش‌ها به دلیل داشتن این ویژگی زیبا هستند). ۱۴- ملایسه (نرمی) ۱۵- شفیف (شفافیت) ۱۶- کدری (رنگ‌های

را در انسان برمی‌انگیزد. رنگ نورها در این اثر رنگ‌های روشن و گرمی است که از میان سنگ‌های سخت قرون گذشته زبانه می‌کشد، در حقیقت نمایشگر نور درونی نقاش است و سنگ‌ها و ستون‌های آرام و پر ابهت با رنگ‌های تیره و خاکستری نقاشی شده و سایه نورها بر روی ستون‌ها دیده می‌شود، نمایانده تأثر عمیقی است که نقاش بر گذشته «انسان» دارد. همیشه در کنار رنگ‌های تیره که القاکننده حالت یأس و تأثر است، رنگ‌های روشن و فانتزی به چشم می‌خورد و این خود بازتابی است از عناصر زیباشناسی اثر است که حس دلگرمی و امید را به مخاطب منتقل می‌کند. در «تصویر ۱، ب» کادر افقی را می‌بینیم که در قسمت بالایی کادر، نوری که تابش زیادی از خود دارد را نشان می‌دهد که با رنگ‌های گلبهی مایل به صورتی روشن به صورت خورشید این نور پراکنده شده، در آسمان آبی رنگ و در قسمت افق به طور دقیق‌تر قسمت میانی کادر، دریایی را می‌بینیم که نوری از بالای کادر به دریا تابیده و تصاویر تابش‌های خورشید گونه آن درون دریا منعکس شده و رنگ دریا، آبی مایل به سیاه است با این نور کمی روشن شده، حصارهای دیوارهای شیشه‌ای یخ‌زده در اطراف دریا کشیده شده است. حس سرمای وجود هنرمند را می‌شود درون اثر حس کرد و می‌توان گفت درودی در این اثر دورنماهای شهری را در حالت انجماد با رنگ‌های سرد نشان داده است و خورشید از پشت آسمان سرد یخ‌زده طوری طلوع می‌کند که در این نقاشی شعاع‌های نوری به صورت شکسته زمین را روشن کرده و حس امید را در درون سیاهی دریا و زمین را زنده کرده است و همچنین حس سرمای وجودی هنرمند را با نورهای گرم خورشید دلگرمی را به مخاطب نشان می‌دهد که استفاده از این تکنیک زیباشناسی نور حس زیبایی را به وجود می‌آورد.

رنگ

دومین عامل زیبایی ابن هیثم رنگ (واللون ایضاً يفعل الحسن) است. نکته قابل توجه این است که ابن هیثم اعتقاد دارد رنگ هم مانند نور واقعی است رنگ همیشه همراه نور و آمیخته با آن است و بدون وجود نور به چشم نمی‌آید. ابن هیثم رنگ‌ها را واقعی و متمایز از نور دانست و اجسام رنگین، نور خود را در خط مستقیم در همه جهات می‌پراکنند. ایران درودی به روان‌شناسی رنگ اعتقادی ندارد و تنها بنا به نیاز، سلیقه و حس درونی اش از رنگ‌ها استفاده می‌کند و رنگ‌ها را نسبت به حسی که در یک لحظه به آن وارد می‌شود، انتخاب می‌کند و اصلاً هم به نتیجه کار توجهی ندارد؛ نیازی را در خود احساس می‌کند که باعث می‌شود بر روی یک رنگ اصلی تأکید کند. البته از نظر او هیچ رنگی به تنهایی رنگ نیست، اگر رنگ قرمز را در کنار زرد بگذارد معنایی دارد و اگر باز همان را در کنار رنگ سیاه بگذارد، معنایی خاص دیگری را دارد از نظر ایران درودی اصل رنگ سیاه، رنگ دردها و غم‌هاست، و این امر در درازمدت تأثیر

و پدیده‌های از آن محسوب می‌شود. نور از ذراتی به نام «فوتون» تشکیل یافته و دارای طول موج‌های متفاوتی است که در مسیر موجی شکل حرکت می‌کند. وقتی نور به اشیا می‌تابد چشم ما با دریافت طول موج‌های نور و انتقال به مغز توسط رشته‌های عصبی ویژه و شیء مورد نظر از لحاظ رنگ، شکل، بافت، حرکت و موقعیت توسط مغز ما، شناسایی می‌گردد. نقاشی‌های ایران درودی، به نور درخشان ایران وفادار است. خاستگاه این روشنا، گاه جغرافیا است که از زاویه تند تابش آفتاب بر این اقلیم برمی‌آید، گاهی نور جنبه فرهنگی دارد و از سویی درخششی تاریخی است و نور درونی زندگی جمعی اقوام ایرانی بر فلات را نشان می‌دهد. تمامی این نورپردازی‌ها در نقاشی به منبع نور و کار با دستگاه‌های نوری است که در نهایت باعث ایجاد زیبایی در سوژه و بیان حالت و شخصیت سوژه خواهد شد. کافی است که منابع نوری کمی جابجا شوند، مثلاً در نورپردازی آثار ایران درودی، صرفاً نور بر فرم سوژه تأکید دارد در حقیقت نمایشگر نور درونی نقاش است، به‌طور دقیق نقش نور در فضاها نقاشی که سوژه در معرض خورشید یا هر نوع منبع نوری که باعث خلق سایه‌هایی بر روی اجسام یا زمینه اثر می‌شود دارای اهمیت و القای معنا به مخاطب است. و یکی از مهم‌ترین عناصر بصری است که هنرمندان نقاش از طریق آن به بیشترین و گسترده‌ترین بیان‌های حسی و عاطفی در آثار خود، دست می‌یابند. ایران درودی باور دارد غایت اصلی و نهایی زندگی هنری و فردی، رسیدن به نور است، که نمادی از امید و آگاهی بخشی است. درودی نور را در هیبت بلور نشان داده است. بلوری که در شکستن، پراکندن و تکثیر نور مؤثر است. نور در آثار او شاید برجسته‌ترین عنصر همیشه حاضر باشد. گاه شخصیتی مستقل به خود و کامل دارد و گاه، فعال و پر حجم و با تابشی چشمگیر بر عناصر پایین دست فرود است. نور در بسیاری از آثار او به عنوان نیرویی در تقلا با ترکیب‌بندی برای رها کردن خویش است و جنبه آگاهی، شهودی بر فرهنگ سرزمین را دارد. بیشتر افراد در تحلیل آثارش، نور را عنصری برای تعریف روحیات درونی او می‌شناسند. درودی رسالت خود را با ایجاد نور پایان داده است. او نور را واسطه میان ناسوت و لاهوت قرار داده تا مفاهیم تجریدی فراسوی ماده را، به جسم درآورد و به آن حجم ببخشد. در نقاشی‌ها درودی، نور از تمام احجام عبور کرده و قابل رؤیت است و تنها عاملی برای دیدن و تأکید بر دیده شدن نیست. اگر بخواهیم عنصر نور را، در دو مورد (تصویر ۱، الف و ب) تحلیل کنیم درمی‌یابیم که در «تصویر ۱، الف» خطوطی را از بالا سمت چپ می‌بینیم که به صورت خطی نورهایی منعکس شده به سمت زمین پخش شده که به رنگ‌های سفید زرد نارنجی کشیده شده و از لابلای بناهایی عبور کرده و زمینی سرد را گرم و روشنایی بخشیده است. بر اساس نظریه ابن هیثم، مثال نور در فهرست این ۲۲ عامل (خصیصه)، اولین موردی است که زیبایی را ایجاد می‌کند و به تنهایی احساس زیبایی

فراگیر انجماد بر معماری دورنما و بر منظره‌های شهری و معبرها که با پرده خورشید است را نشان می‌دهد و به اوج می‌رسد که نشانگر سلطه سرمای درونی است که همسوبا فضای زمستانی بیرون، نوعی یخبندان شب قطبی را پیش نظر می‌آورد. معماری شهری یا عناصر دورنماها در حالت یخ‌زدگی و تاریکی و در سیطره رنگ‌های سرد تیره فروپيچیده است، همچنین نور مه‌گرفته‌ای در کارها در افق است رادر آثار این هنرمند می‌توان به‌وضوح دید. در «تصویر ۲» اگر بخواهیم آثار این هنرمند را با توجه به رویکرد این هیثم تحلیل و بررسی کنیم در «تصویر ۲. پ» و «تصویر ۲. ج» درمی‌یابیم که در این اثرها بیشتر به عنصر رنگ زیبایی از نظر این هیثم نزدیک‌تر است و رنگ درون اثر به واسطه چشم ما درک می‌شود در «تصویر ۲. پ» گل‌هایی به رنگ‌های سفید خاکستری دیده می‌شود که از بالای کادر یعنی آسمان می‌رویند و به سمت پایین کادر، زمین قرار می‌گیرد که رنگ گل‌ها و فرم آن‌ها در پیش‌زمینه آبی تیره سرد، نشان‌دهنده حس ظرافت و نرمی است و همچنین نقاش توانسته حالت قدرتمندی رادر گل‌ها نشان دهد که در سخت‌ترین شرایط روییده و سرزنده هستند و معنای حیات و رویشی زیباگونه می‌دهد. در «تصویر ۲. ج» هنرمند توجه به خصوصی به رنگ‌های قرمز در کنار رنگ‌های خاکستری تیره کرده است که رنگ قرمز حالت نبض عشق دیده می‌شود، که در اثر به

بسیار منفی خواهد گذاشت، چراکه از لحاظ روان‌شناسی رنگ لباس سیاه، نیرویی منفی ایجاد کرده و حرکت نوری را متوقف می‌کند، او رنگ سیاه را نمی‌خرد و آن را با چیزی قاطی نخواهد کرد. ایران درودی در توجه‌اش به رنگ هیچ اعتقادی به رنگ‌های مکمل ندارد. او در باب دسته‌بندی رنگ‌ها به دنیای فرای خیال و به دنیای ادراک هستی می‌پردازد. رنگ‌های مدیترانه‌ای او انگار هرم گرم همواره بودن را در آبی‌ها خاکستری‌ها و در صورتی و آتشین رنگ‌های گل‌های روییده جست‌وجو کرده است. رنگ‌های درودی تلفیقی است از سردوگرم که دارای همشینی است مابین مهر و صلابت. مهر جاری در نقاشی‌ها، از رنگ‌های لطیفی مثل سفید، کرم، آبی آسمانی، فیروزه‌ای، نارنجی، طوسی و... ساطع می‌شود، و صلابت از رنگ‌های تند و گرم که هم پویا و هم محرک هستند به تصویر درآمده است. او پس از چاپ نخستین مجموعه آثار و عبور از وقایع دهه شصت، تحولات زیادی در کارهایش پدیدار می‌شود سلطه رنگ‌های گرم و روشن به‌خصوص رنگ‌مایه‌های قرمز که از جوانی و جسارت کشف و عشق نیرو بود با گذر از دوره میانی به دوره بلور و یخبندان می‌رسد. رنگ آبی آن در این دوره رنگ سنگین انجماد است و کدورت و غلظت ترکیب بندرنگ‌ها، از حال و هوایی سنگین حکایت دارد که نقاش آن تجربه را در بیرون و درون است می‌گذراند. انباشته‌شدن فضا از ابر که از یخ‌پاره‌ها حرکت



ب



الف



ب



الف



ج



پ



ج



پ

تصویر ۲. الف. ایران درودی (۱۹۷۵)، گریز، رنگ روغن، ۱۱۸×۷۳ سانتی‌متر (URL1). ب. ایران درودی (۱۹۷۵)، ره‌آورد سفر (ژاپن)، رنگ روغن، ۱۳۰×۸۰ سانتی‌متر. (URL1). پ. ایران درودی (۱۹۸۳)، وهم، رنگ روغن، ۵۶×۴۹ سانتی‌متر (URL1). ج. ایران درودی (۱۹۶۹)، رگ‌های زمین، رگ‌های ما، رنگ روغن، ۱۰۵×۸۰ سانتی‌متر (URL1)

تصویر ۱. الف. ایران درودی (۱۹۹۳)، نگار جاویدان، رنگ روغن، ۱۴۰×۱۴۰ سانتی‌متر (URL1)؛ ب. ایران درودی (۱۹۹۳)، خورشید شکسته، رنگ روغن، ۱۳۰×۹۰ سانتی‌متر. (URL1). پ. ایران درودی (۲۰۰۷)، خزانه اسرار، رنگ روغن، ۱۲۵×۹۵ سانتی‌متر (URL1)؛ ج. ایران درودی (۱۹۷۷)، به زلالی یک عشق، رنگ روغن، ۱۸۳×۲۹۷ سانتی‌متر. (URL1)

می‌بیند. اساس نقاشی‌های ایران درودی بر یافتن هویت فرهنگی و در پی باز یافتن ریشه‌های فرهنگی جامعه است و برای این کار چهار عنصر اصلی یعنی «نور»، «حرکت»، «زمان» و «رنگ» را نوبت به نوبت در آثارش به کار گرفته و نور را هدف اصلی اش قرارداد تا به پندارهای فرهنگ ایران نزدیک‌تر شود تا اینکه به هنرمندی معاصر با لقب بانوی نور و رنگ در جهان معروف شد.

تقدیر و تشکر

سیاسگزاری از استادان با کمالات و شایسته؛ سرکار خانم دکتر مینو خانی عزیز و سرکار خانم دکتر سمیه رمضان ماهی و آقای دکتر علی مرادخانی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

پی‌نوشت

۱. همان نیم‌سایه است؛ یعنی سایه‌پردازی با کنتراست کم.

فهرست منابع

- بنیامین، والتر. (۱۳۸۲). *زیبایی‌شناسی انتقادی*، ترجمه امید مهرگان، چاپ اول، تهران: گام‌نو.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۷). *معنا و مفهوم زیبایی*، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر. درودی، ایران. (۱۳۹۹). *در فاصله دو نقطه*، چاپ بیست و پنجم، تهران: نی.
- شاپوریان، فریبا. (۱۴۰۲). *آشنایی با مبانی هنرهای تجسمی*، تهران: سهامی خاص.
- کامرانی، بهنام. (۱۴۰۲). *کارگاه نقاشی*، چاپ چهارم، تهران: سهامی خاص.
- گوزنالس، والری. (۱۳۹۹). *زیبایی و اسلام*، ویراستار حمیدرضا بسحاق، چاپ سوم، تهران: گیلگمش.
- مظفری، مهدی. (۱۳۹۷). *گفتگو با ایران درودی*، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- مظفری، مهدی. (۱۳۷۸). *قصه انسان و پایداری‌اش*، چاپ اول، تهران: سخن.
- (۱۴۰۲). *نقاشی با نور*، چاپ اول، تهران: دیدآور.
- مجابی، جواد. (۱۳۸۰). *رؤیاهای رنگین نقاش نور و رهایی*، تهران: آزما.
- مؤمنی، هادی. (۱۳۹۵). *رویکردهای زیبایی‌شناختی در تفکر اسلامی با تکیه بر آرای ابن‌هیثم*، تهران: ادبیات

منابع اینترنتی

سایت رسمی ایران درودی: URL: www.irandarroudi.com

صورت حالت انفجار به خود گرفته است و حالت تولد دیگری را نشان می‌دهد این نقاش در نقاشی کشیدن بیشتر به دنبال حس درون خودش بود تا با عنصر رنگ فرم‌هایی که در ذهنش تجسم می‌کرد به مخاطب انتقال دهد. درودی در این تابلو کشور ایران را که نفتش سنگ زیربنای تمدن جهانی بوده است و امروزه نیز نفتش، نقشی تعیین‌کننده در اقتصاد جهان به عهده دارد را با تأکید زیاد با رنگ‌های قرمز و سیاه در تابلو نشان داده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتیجه‌هایی که از نظریه زیباشناسی ابن هیثم گرفته شده است، عوامل نور و رنگ، کیفیات و ساختار عناصر بصری لازم در اثر هنری را مورد توجه قرار می‌دهد، و می‌تواند کمکی کند تا الگویی برای تحلیل و خوانش آثار هنری پذیرفته شود همچنین تأکید زیادی بر اهمیت یافت فرایند ادراک زیبایی به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به رویکرد نظری مقاله، بخشی از نتایج پژوهش طبق روند آرای ابن هیثم تحلیل شده است که باین حال جزئیات بیست و دوگانه زیباشناسی از سوی ابن هیثم، با ویژگی‌های ساختاری و زیبایی‌شناسی نقاشی معاصر انطباق کامل دارد. تمامی موارد ذکر شده توسط ابن هیثم از جمله (نور، رنگ) که امروزه با بیانی دیگر به عنوان مبانی هنرهای تجسمی در هنرهای گوناگون از جمله نقاشی مورد استفاده می‌شود همچنین مشخصاً آرای ابن هیثم مورد بهره‌ر هنرمندان زیادی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب به سؤال پژوهش نیز پاسخ داده می‌شود. هدف کلی از شناساندن و تحلیل عناصر زیباشناسانه در آثار نقاشی ایران درودی بر اساس نظریه‌پرداز اسلامی ابن هیثم این است تا کمک کند تا آثار او را بهتر و از نظر زیباشناسانه درک کرد و هنرمندان بر اساس نظریه‌پردازان زیباشناسی آثار هنرمندان را تحلیل کنند و به این نتیجه رسید که عناصر زیباشناسانه مانند نور و رنگ در آثار درودی چه معنایی بر اساس نظریه ابن هیثم دارد. از نظر ابن هیثم رنگ همیشه همراه نور است و بدون وجود نور دیده نمی‌شود و ایران درودی به نور و رنگ همیشه در آثارش توجه داشته به طوری که بیننده در آثارش در نگاه اول این دو عنصر زیباشناسانه را



دوفصلنامه رهپویه حکمت منتر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Aesthetics of Color and Light in Iran Daroudi's Works with Ibn al-Haytham's Approach

Rodina Sistani¹, Minoo Khani², Ali Moradkhani³

Type of article: original research

Receive Date: 10 November 2023, Accept Date: 18 December 2023

DOI: 10.22034/RPH.2023.2015252.1050

Abstract

Aesthetics is a branch of philosophy whose subject is the nature of beauty and taste, as well as the philosophy of art (it has its own field of philosophy that emerges from aesthetics). Also, aesthetics is an ability to better understand perceptions, as well as hard phenomena such as sculpture and soft phenomena such as music. It causes a change in a person's mood and attitude. Ibn Haytham's approach is akin to an experimental mindset based on a profound understanding of Greek science and philosophy, as well as the rational observation of humanity's connection with the natural world and physical laws. Ibn al-Haytham's proposed approach beautifully relates to a complex phenomenon. He has studied this subject as both a physicist and a thinker, leading to the establishment of this connection. Visual perception occurs because the eye is made up of layers, coverings, and numerous parts; however, its main component is located in the front part of the brain. In the treatise "Al Manazar", Ibn al-Haytham's explanation of the vision process as a major and preliminary cognitive experience has a surprisingly phenomenological and psychophysical tone. This issue is especially evident when he proposes the theory of sensory perception of the beauty of objects of perception (Al-Hassan). This treatise initially proposes an important scientific statement about the physical process of vision as a result of the actions of light and color and he believes that according to two principles of beauty in objects, they differ from each other, firstly because of the characteristics or general visual characteristics of those that he introduces in a list, and these characteristics are the general structure of objects or the ground. They create them, which create beauty also for example, light in the list of these 22 factors (characteristics), is the first item that creates beauty,

1. Master of Art Research, Islamic Azad University, Tehran. Iran (Corresponding Author).

Email: rodinasistani9635@gmail.com

2. Assistant Professor, Faculty Member of Art Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: khanyminoo@gmail.com

3. Associate Professor, Faculty Member of Philosophy, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: alimoradkhani@gmail.com

and that is why we consider the sun, the moon, and the stars to be beautiful things, while it should be noted that the sun, the moon, and the stars are what enhance their beauty. There is no way to make things beautiful or to give them a beautiful shape, everything that exists is because of their brilliance. Ibn al-Haytham's theory of perception of beauty takes into account the qualities and visual structure necessary in the work of art. It is necessary to research the potential aspects of his theories in the field of aesthetics and visual structure. Iran Darudi gives an Iranian identity to his works with aesthetic elements, he made light the main goal to get closer to the ideas of Iranian culture and also uses light to induce the expression of his feelings so that the audience understands the concept of the artist's sense and he has reached this conclusion. that no color is a color outside of the radiation of light, and the colors are only in proximity and influencing each other, which reveal their quality and color. Due to the structural nature of painting, whose aesthetics is based on principles that are completely consistent with the 22 cases in Ibn al-Haytham's opinions, the purpose of this article is to examine these theoretical cases and how to apply them in the art of painting, and to answer the question of how the aesthetic theory of light and color from Ibn al-Haytham's point of view can be He understood the modern principles of aesthetics in the Iranian works of Darudi, first, he describes and analyzes the nature and characteristics of Darudi's works and then analyzes those works with Ibn al-Haytham opinions. This article whose theoretical method is based on Islamic philosophy theorist Ibn al-Haytham. In this aesthetic approach that deals with the form of the work, Ibn al-Haytham defines aesthetics as follows "He defined beauty (beauty) not as a simple factor, but as a complex interaction between twenty-two factors." This is a very subtle point that Ibn al-Haytham defined only two of these factors, light and color (which itself is a property derived from light). They have motivational power, that is, they can create an effect in the soul that makes the face look beautiful. The research method is practical in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of perspective, and the information is also obtained based on library studies. The research results show the efficiency of Ibn Haitham's approach in the field of aesthetics of contemporary painting. By achieving a powerful and masterful technique, this artist has been able to draw the most delicate and delicate spiritual vibrations and her aesthetic attitude on the screen of her paintings.

Keywords: Iran Darudi, Color and light, Aesthetics, Contemporary painting, Ibn al-Haytham.



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)